

## قوانین الهی و اعتراض حقوق بشری ها

در خبرها آمده بود که در شهر اهواز حکم قطع دست راست و پای چپ یک متهم به سرقت بمرحله اجراء در آمد ، ماموران قضایی متهم را در ملأعام بر روی یک برانکار گذاشته و جلادان ابتدا دست راست و بعد پای چپ او را بریدند ، این حکم در تاریخ 18 اردیبهشت 1382 به اجراء در آمد . هنوز طرفداران حقوق بشر در شوک این خبر بودند که ناگهان پس از چندی یک نفر گویا آفتابه دزد نیز در شهر زابل طبق قوانین اصیل الهی و قرآنی گردن زده شد . گروه های اپوزسیون و حقوق بشری یکی پس از دیگری از این احکام ابراز انزجار نمودند و رژیم اسلامی را متهم کردند که حداقل قوانین حقوق بشری را در نظر نمی گیرند و این اعمال را بشدت محکوم کردند .

طرفداران حقوق بشر و دمکراسی تنها به این جنایت رژیم اسلامی اکتفا کردند و طبق معمول همیشگی نخواستند و یا جرأت نکردند که پا را از این فراتر نهند و به قانونی بنانند که این اجازه را به حاکمان شرع میدهد تا دست به این جنایات مخوف عصر حجر بزنند . معلوم نیست ، گناه این حاکم شرع که در عمق تفکر پوسیده خود در پی اجرای قوانین الهی می باشد در چیست ؟ و ما چرا به ریشه این تفکر نمی تازیم و آنرا افشاء نمی کنیم ...

مگر نه اینست که دست بریدن ، گردن زدن ، ترور مخالفان ( توبخوان کافران) همه از قوانین بسیار بدیع و روشن الهی است . اگر باور ندارید ، ما شما را دعوت می کنیم که به آیاتی از این دست که در قرآن یعنی کلام خدا آمده است توجه فرمائید ، تا ضعف نقد انتقادی اپوزسیون را بهتر متوجه گردیم و تهمت جانی ، خونخوار ، جلاد به این حاکمان شرع ننبدیم . از خود قرآن نمونه می آوریم :

سوره 5 مائده ، آیه 33 ... کسانی که با الله و پیغمبر او می ستیزند و در زمین به فساد می کوشند ، سزایشان جز این نیست که کشته شوند و یا به دار کشیده شوند یا دستها و پاهایشان به عکس یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید شوند . این رسوایی آنها در این دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ دارند . ( معلوم نیست این عذاب بزرگ از چه نوعی است که وعده آن داده شده .)

سوره انفال ، آیه 12 ... پس گردنهای کافران را بزنید و تمام انگشتانرا قطع نمائید .

سوره انفال ، آیه 39 ... با کافران جنگ کنید تا فتنه نماند !!!

سوره آل عمران ، آیه 151 و 152 ... الله وعده خویش را با شما راست کرد آن دم که با اذن او ( یعنی با اجازه او ) کافران را بکشید . ( چه الله رحیم و مهربانی !!!)

سوره انفال ، آیه 67 ... پیغمبر را نسزد که اسیران را با فدیة آزاد کند خون ناپاکان باید ریخته شود . ( یعنی اگر پیغمبر گذشت کرد ، الله از آن نمی گذرد!!! )

سوره توبه ، آیه 13 ... چرا با گروهی که پیمانهای خویش بشکستند و قصد بیرون کردن پیغمبر کردند ، نمی جنگید . ( الله در هر حال تشنه جنگ و خونریزی است .

آنگاه شما بروید یقه جانشینان الله در روی زمین را بگیرید و به آنها انتقاد کنید . )

سوره توبه آیه 123 ... ای کسانی که ایمان آورده اید ، کافران را یکی پس از دیگری به نسبتی که به شما هر کدام نزدیکتر و در دسترس ترند ، به قتل برسانید . باید در شما خشونت بییند و بدانند که الله یار پرهیزکاران است ( معلوم نیست چاقوکشان انصار حزب الله و عاملین و آمرین قتل های موسوم به زنجیره ای ، جرمشان بغیر از اجرای این فرماین الهی در چیست . )

سوره حج آیه 39 ... کسانی که ستم دیده اند ، اجازه دارند دست به قتل و کشتار بزنند و بکشند . الله آنها را نصرت میدهد . ( الله پاداش میدهد !!)

سوره حج آیه 78 ... در راه الله جنگ کنید ، چنانکه سزاوار جنگ کردن برای اوست . ( معنی ساده این جمله یعنی بشوید القاعده و سایر گروه های تروریستی اسلامی )

سوره تحریم آیه 9 ... ای پیغمبر با کافران و منافقان بجنگ و با آنها شدت عمل و درشتی به خرج بده که جایشان جهنم است و سرانجام بد ...

سوره مائده آیه 45 ... در تورات بر یهودیان مقرر کردیم که تن به تن و چشم به چشم

و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و زخمها را قصاص باید . هر که طبق آیه های منزل خدا حکم نکند از ستمگران است .  
با توجه به این آیه چرا حقوق بشری ها و طرفداران دمکراسی مخالف قانون قصاص هستند ، طبق این آیه الهی اگر حاکم شرع حکم نکند ، آنوقت خود از ستمگران است !!! این عناصر از مغز انسان تهی ، ستمگری را از که یاد گرفته اند و آموزش دیده اند ؟ ادامه میدهم ...

سوره انفال آیه های 14 تا 17 ... شمانبودید که آنها را بکشید ، بلکه الله آنها را بکشت ، چون هدف گرفتی تو نبودی ، بلکه الله بود که هدف گرفت تا مومنان را از جانب خود نعمت دهد . ( عجب الله آدم کشی بدون کوچکترین ناراحتی میگذرد ، من آنها را کشته ام نه شما ، معلوم نیست این الله جبار و قهار و حیلہ گر ، البته طبق گفته های خودش ، چگونه میخواهد عدل و انصاف را در جهان به ارمغان آورد . )  
سوره توبه آیه 23 ... ای اهل ایمان ، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید ، اگر آنها کفر را بر ایمان برتر ببینند . ( در اینجا درس دوستی و محبت داده می شود . سخنان شیرین حافظ در مورد با دوستان مروت با دشمنان مدارا کجا !!! و این اختلاف انداختن ها در مورد یک فامیل و خانواده کجا !!!  
سوره توبه آیه 82 ... کافران باید خنده کم و گریه زیاد کنند .

امروزه این داستان کاملاً برعکس شده ، یعنی هرچه شادی و شور و عشق است از آن خرد گرایان غیر مذهبی و تا آنجا که می شود گریه و شیون و عزاداری و تعزیه از آن مومنان به الله و اسلام ناب محمدی است .

سوره نساء آیه 104 ... مبادا در کار دشمنان سستی و کاهلی کنید .  
البته در مورد ترویج خشونت ایضاً در سوره نساء آیه 34 آمده است... زنانی که نافرمانی کنند ، کتکشان بزنید ، صدها آیه و حدیث دیگر در اینموارد وجود دارد که دیگر از حوصله خواننده ارجمند و خردگرا بدور است .

باید توجه نمود که حتی همین اسلام طالبانی ، بن لادنی ، خمینی و همه اعوان و انصارشان ، که امروزه بشریت از همه جنایات آنها دچار انزجار و تنفر است ، بسیار از اسلام راستین طبق آیه های فوق فاصله دارد...

چه اگر قرار بود چنین اسلامی بطور کامل و نهایی بر جان و سرنوشت مردم دنیا حاکم باشد . امروزه دیگر چیزی بنام بشریت متمدن بر روی کره زمین زندگی نمی کرد ، و یا حداقل از جمعیت نزدیک به 6 میلیاردی این کره خاکی ، اقلیتی چند میلیونی در حد همان زمان عصر حجر باقی می ماند . امروز دیگر نه از ماهواره ، اینترنت ، وسایل ارتباط جمعی ، هواپیما ، دوربین و در یک کلام تمدن بشری خبری بود و نه از دگراندیشی ، آزادی ادیان ، بیان و دمکراسی . یکی از نویسندگان نواندیش و خرد گرا بنام هوشنگ فرهنگ آئین اخیراً کتابی تحت عنوان هیچی !!! سیره مبارک امام خمینی ، انتشار داده که در اینجا قسمتی از این کتاب را از صفحه 392 تا 393 می آوریم که می تواند پایان بخش خوبی برای این بحث ما باشد...

یک ضد انقلاب ، اسلام شناس !! می گوید : این مردم ساده لوح خیال می کردند که اسلام ، اسلام و شاورهم فی الامر است . اسلام ، اسلام فبشرعبادی الذین يستعمون القول .... فلان است . اسلام ، اسلام لکم دینکم ولی الدین است . اسلام ، اسلام لاکراه فالدین است و اسلام ، اسلام آن داستانی است که آن یهودی ، هر روز به سر مبارک حضرت خاکستر میریخته و حضرت هم لبخندزنان رد می شده است . روزی که خاکستر ریخته نمی شود ، حضرت از اصحاب می پرسد این رفیق ما امروز کجاست ؟ که می گویند بیمار است و حضرت با اصحاب بعبادت او می رود و بقیه قضایا ، که آن یهودی خدا زده ! مسلمان می شود . در حالیکه اگر این مردم اسلام را میشناختند ، می فهمیدند که همه اینها شعر بوده و این بیانات مصلحانه و کردار انساندوستانه حضرت از روی ناچاری بوده است . والا اگر آنموقع قدرت می داشت ، می داد به حلق آن یهودی سرب گداخته بریزند . کما اینکه بعدها چنین کرد و چنان قساوتی از خود نشان داد که پدر جد نرون هم چنین نکرده بود .

از وقتی که حضرت قدرت مقابله با مخالفین و امکان مقاتله با کفار پیدا کرد ، اسلام

شد اسلام اقتلوالکافرون کافه . اسلام شد ، اسلام من بدل دینه فافتلوهها . اسلام شد اسلام رده ، قصاص ، شرک ، مرابطه ، الحاد ، ذم ، جزیه و صدها آیه به مضمون قتلوالذین لایومنون... قاتلو هم حتی لاتکون فتنه... و غیره که معنی یکیشان ( آیه 29 از سوره توبه ) چنین است که می فرماید :

بکشید آنهایی را که ایمان نیاورده اند و اهل کتاب هم هستند . مگر اینکه بخواری به شما جزیه بدهند . حالیتان هست ؟ می فرماید اگر کسی از اهل کتاب ، حتی اگر برنده جایزه نوبل در فیزیک هسته ای هم باشد ، باید هر از چندی با پای خودش بحضور مثلاً " روضه خوان بوگندوئی مثل هادی غفاری برسد و ضمن عرض ادب و مراسم چاکری و در کمال ذلت و خواری از او استدعا بکند که عنایت فرموده و جزیه او را قبول فرماید!!!

تازه این سرنوشت یک اهل کتاب یعنی پیرو آئین موسی یا عیسی است . سرنوشت صاحبان ادیان و آرا و عقاید دیگر روشن است . اقتلوهها ، که زمین از خون آنها رنگین شود . بلاخره اسلام ، اسلام برده داری و کنیزداری و جنگ و محاربه بقصد غنیمت و تاراج است . از جمله به اسارت در آوردن زنان و پسران و دختران کفار برای هر منظوری که اجری عظیم دارد . ( پایان نقل قول )

لخالی در مصاحبه با مجله فردوس 5 تیر ماه 1358 چنین می گوید : بضی اوقات یک عقل کل هم ممکن است دستور اعدام 600 نفر را بدهد ، مثل پیغمبر ، یا جنگ بی امانی را حضرت امیر در بصره شروع کند و 16000 نفر کشته شوند . اگر این طرفداران حقوق بشر آن زمان بودند از فرط نفهمی آنها را هم از دژخیمان معرفی می کردند . اصلاً " حقوق بشری ها بنظر من اکثراً" مخالف حقوق بشر هستند . حق بشر اقتضا می کند یک بشری را که مزاحم بشرهای دیگر است باید از بین برد . حقوق بشر اقتضا می کند که مار را باید در خانه از بین برد . این حق بشر است . حق بشر اقتضا می کند برای آزادی بشرهای دیگر افراد ناباب را از میان برداشت . حتی در قرآن هم داریم که " ولکم فی القصاص حیاة یا اولوالالباب " تمام ضعف های جامعه ها یا بی چاره گی جامعه ها از آنجا بوده که رأفت آنها را گرفته است و تبهکاران را آزاد گذاشته اند ، و بعد همان تبهکاران بر ما مسلط شده اند . از این رحم ها ما زیان فراوان دیده ایم .

خلخالی که یکی از نمایندگان خمینی برای قصابی مردم ایران بود در این مصاحبه در توجیه کشتار مردم ایران ، همانطور که مشاهده نمودید از قرآن و امام علی نقل می آورد . به همین خاطر است که به اعتقاد من باید ریشه تفکر امثال خلخالی ها را به نقد کشید . او در ادامه همان مصاحبه چنین ادامه می دهد :

اصلاً " اینها که اعدام شدند ، بی جهت صحبت از وکیل گرفتن در جریان محاکمه خود می کردند . ما که اینها را بر مبنای اصول غربی محاکمه نمی کردیم . ما این شخص را فقط به طور سوال و جواب محاکمه می کنیم و اعدام می کنیم .

باید بقول خانم دلارام مشهوری یکی از فرهیختگان اهل اندیشه از کتاب با ارزش او رگ تاک صفحه 58 گفت : متولیان ایرانی اسلام که هیچ ، حتی اعراب مهاجمی که از سوی تاریخ نگاران وحشی خوانده شده اند ، هیچگاه چنان نبوده اند که بتوانند اسلام ناب محمدی را به اجرا در آورند .

شاد و پیروز باشید .....